



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: ارث غرقى و مهذوم عليهم.

بختمان به مناسبتى درباره ازدواج عمر با ام كلثوم بود كه امروز اين بحث را پايان مى رسانيم، بايد توجه داشته باشيم كه بعد از پيغمبر اكرم صلوات الله عليه و آله اختلافات شديدى بين شيعه و سنى در مسئله خلافت بوجود آمد ولى ائمه عليهم السلام به شيعيان سفارش مى كردند كه با آنها سازگار باشيد و به مسجدهايشان برويد و پشت سرشان نماز بخوانيد و كسى كه پشت سر آنها نماز بخواند مانند كسى است كه پشت سر پيغمبر نماز خوانده و با آنها ارتباط داشته باشيد زيرا هر چه شما با هم اختلاف داشته باشيد دشمن سوء استفاده مى كند بنابر اين براى عدم سوء استفاده دشمنان تاكيد ائمه عليهم السلام بر وحدت و اتحاد با آنها بوده، از طرفى آنها هم اكثريت بودند و هم قدرت حكومتى داشتند و حتى در ايران چندين قرن حكومت دست عامه بوده تا زمان صفويه فلذا فرهنگ و سياست و جعل اخبار و تاريخ را قبضه كرده بودند و بر عليه شيعيان تبليغ مى كردند و سوژه هاى فراوانى درست كرده بودند كه يكي از آنها همين مسئله ازدواج ام كلثوم با عمر بود كه از اين مسئله دو نتيجه مى گرفتند؛ اول اينكه جريان شهادت فاطمه زهراء سلام الله عليها را تقريبا زير سوال مى بردند و اثرش را از بين مى بردند در حالى كه يكي از ادله محكم شيعه همين شهادت حضرت زهراء سلام الله عليها مى باشد، آنها مى گفتند اگر اين جريان شهادت حضرت درست باشد چطور مى شود كه حضرت امير عليه السلام دخترش را به عمر بدهد، و دوم در مورد مسئله خلافت مى گفتند اگر على عليه السلام آنها را غاصب مى دانست چطور دخترش را به عمر داد، خلاصه خيلى روى اين

مسئله كار كردند، آقاى سيد مرتضى عسكرى رحمه الله عليه مى فرمودند آنها در سه جبهه بر عليه شيعه كار كردند؛ اول در تفسير كه آياتى از قران را بر عليه شيعه تفسير مى كردند و ابوطالب را مشرك مى دانستند و دوم در تاريخ و سوم در احاديث، على ائمه حال يكي از مسائلى كه درست كردند و بر عليه ما استفاده كردند همين مسئله ازدواج عمر با ام كلثوم بود ولو اينكه اخبار صحيح در اين رابطه داريم ولى آنها با قدرتى كه داشتند حتى مى توانستند خبر صحيح جعل كنند كه ديروز نمونه اى از آن احاديث را ذكر كردم كه از امام صادق عليه السلام احاديثى را درباره اكراد ذكر كرده اند و ما نحن فيه نيز نمونه ديگرى مى باشد.

علماء ما براى رد اين ادعاها به ميدان آمده اند و يكي از آنها علامه مجلسى مى باشد، ايشان در صفحه ۴۲ از جلد ۲۰ مرآة العقول كه شرح اخبار كافى مى باشد مى فرمايد حضرت امير عليه السلام با اعجاز خودش يك جنبه را به شكل ام كلثوم براى عمر فرستاد و اما بعضى از علماء مثل صاحب جواهر گفته اند اين تقيه بوده و در تقيه واجب است براى حفظ تشيع چنين كارى كند و حضرت امير عليه السلام نيز تقيةً ام كلثوم را به عمر داد، سيد مرتضى فرموده چنين چيزى نبوده و اگر هم بوده عن تقيةً بوده زيرا عمر ظاهرش مسلمان بوده و شهادتين را گفته بوده، و اما كسى كه شديدًا مخالف اين قضيه بوده شيخ مفيد مى باشد كه مقام بسيار بالائى از هر جهت و خصوصًا از نظر مناظره و مباحثه بين شيعه دارد و امام عصر عليه السلام كلمات بسيار بلند و بالائى در مورد ايشان دارد، علامه مجلسى در مرآة العقول كلام شيخ مفيد را نقل مى كند و اينطور مى فرمايد كه: «وقال الشيخ المفيد قدس روحه في جواب المسائل السروية : إن الخبر الوارد بتزويج أمير المؤمنين عليه السلام بنته من عمر لم يثبت ، وطريقته من الزبير بن بكار ، ولم يكن موثوقا به في النقل ، وكان متهما فيما يذكرة من بغضه لأمير المؤمنين عليه السلام وغير مأمون ،

من الجلة ، وقال : إن أمير المؤمنين أمرني بذلك وأن أجعل مهرها حكم أبيها بالغا ما بلغ مع صلح ما بين هذين الحسين ، مع قضاء دينه وأعلم أن من يغطكم بيزيد أكثر ممن يغطه بكم ، والعجب كيف يستمهر بيزيد؟ وهو كفو من لا كفو له ، وبوجهه يستسقي الغمام ، فرد خيرا يا أبا عبد الله! فقال الحسين عليه السلام: الحمد لله الذي اختارنا لنفسه ، وارتضانا لدينه ، واصطفانا على خلقه إلى آخر كلامه ثم قال : يا مروان قد قلت فسمعنا.

أما قولك : مهرها حكم أبيها بالغا ما بلغ ، فلعمري لو أردنا ذلك ما عدونا سنة رسول الله صلوات الله عليه و آله في بناته ونسائه وأهل بيته ، وهو ثنا عشرة اوقية يكون أربعمائة وثمانين درهما.

وأما قولك : مع قضاء دين أبيها ، فمتى كن نساؤنا يقضين عنا ديوننا وأما صلح ما بين هذين الحسين ، فانا قوم عاديناكم في الله ، ولم نكن نصالحك للمدنيا ، فلعمري فلقد أعيا النسب فكيف السبب... إلى آخر»^۲.

غرض اینکه اگر حضرت امیر علیه السلام ام کلثوم را به عمر داده بود خب بنی امیه در این جریان که ذکر کردم می گفتند پس چرا پدرتان علی علیه السلام دخترش را به عمر داد؟! در حالی که چیزی نگفتند و از همین جا مشخص می شود که قضیه ازدواج عمر با ام کلثوم صحیح نبوده و بعدها آن را درست و جعل کرده اند بنابراین ما نیز همان قول شیخ مفید را قبول داریم که چنین چیزی اصلا تحقق پیدا نکرده منتهی دشمنان اسلام از باب جنگ نرم این قضیه را درست و ترویج کرده اند به بیانی که عرض شد.

این بحث تمام شد و اما ادامه بحث قبلی بماند برای روز شنبه إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

والحديث مختلف فتارة يروى أن أمير المؤمنين عليه السلام تولى العقد له على ابنته ، وتارة يروى عن العباس أنه تولى ذلك عنه ، وتارة يروى أنه لم يقع العقد إلا بعد وعيد عن عمر وتهديد لبني هاشم ، وتارة يروى أنه كان عن اختيار وإيثار... إلى آخر كلامه الشريف»^۱ ، و اما بنده نیز معتقدم این قضیه درست نیست زیرا با فکر و عقیده حضرت امیر علیه السلام در مورد خلفاء ثلاثه که دیروز اشاره کردم در خطبه شقشقیه و جاهای دیگر بیان فرمودند سازگار نیست و خیلی بعید است حضرت امیر علیه السلام با این فکر و فرهنگ دخترش را به عمر بدهد! گاهی که حضرت به غضب می آمد کسی نمی توانست در مقابلش بایستد مانند آن وقتی که صبح آمدند و گفتند چرا بدون اطلاع ما فاطمه سلام الله علیها را شبانه دفن کردی و گفتند اگر در قبر باشد ما او را بیرون خواهیم آورد و همگی جمع شدند که چنین کاری کنند! حضرت امیر علیه السلام یک لباس رزمی داشت آن را پوشید و شمشیر برداشت و فرمود اگر کسی جلو بیاید او را تکه تکه خواهم کرد، خب مگر می شود حضرت امیر علیه السلام با این شخصیت و روحیات و اعتقاد و فرهنگ دخترش را به عمر بدهد.

بنده نمونه دیگری نقل می کنم، علامه مجلسی در بحار حریانی را نقل کرده به این بیان که: «إن معاوية كتب إلى مروان ، وهو عامله على الحجاز يأمره أن يخطب ام كلثوم بنت عبد الله بن جعفر لابنه يزيد ، فأتى عبد الله بن جعفر فأخبره بذلك فقال عبد الله : إن أمرها ليس إلي إنما هو إلي سيدنا الحسين عليه السلام وهو خالها ، فأخبر الحسين بذلك فقال : أستخیر الله تعالی اللهم وفق لهذه الجارية رضاك من آل محمد.

فلما اجتمع الناس في مسجد رسول الله صلوات الله عليه و آله أقبل مروان حتى جلس إلى الحسين عليه السلام وعنده

^۱ مرآة العقول، علامه مجلسی، ج ۲۰، ص ۴۳.

^۲ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۴۴، ص ۲۰۷، ط دار الإحياء التراث.